

هو العليم

كيفيت زيارت قبور ائمه معصومين سلام الله
عليهم در كلام مرحوم علامه طهراني

حضرت علامه آية الله حاج سيد محمد حسين

حسيني طهراني

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

نگرش و توصیه‌های اخلاقی علامه طهرانی به

زیارت و پیاده رفتن به مشاهد مشرفه

أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ أَيْضًا رَوَى عَنْ أَبِيهِ أَنَّ صَادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَى

مِيقَاتَ زِيَارَةِ الْقَبْرِ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ: «وَكُلُّ مَنْ زَارَ الْقَبْرَ فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ

وَأَمَّنَ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ شَيْعُوهُ حَتَّى يَبْلُغُوهُ مَأْمَنَهُ،

وَإِنْ مَرَّ بِمَرَضٍ عَادُوهُ غَدْوَةً وَعَشِيًّا، وَإِذَا مَاتَ شَهِدُوا

جَنَازَتَهُ وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ خَدَّاءُونَ فِي

أَطْرَافِ قَبْرِ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَبِأَطْرَافِ قَبْرِ هَزَارِ فَرَسْتِ

وَمِيقَاتُهَا كَمِيقَاتِهَا، وَبِأَطْرَافِ قَبْرِ هَزَارِ فَرَسْتِ

وَمِيقَاتُهَا كَمِيقَاتِهَا، وَبِأَطْرَافِ قَبْرِ هَزَارِ فَرَسْتِ

وَمِيقَاتُهَا كَمِيقَاتِهَا، وَبِأَطْرَافِ قَبْرِ هَزَارِ فَرَسْتِ

وَمِيقَاتُهَا كَمِيقَاتِهَا، وَبِأَطْرَافِ قَبْرِ هَزَارِ فَرَسْتِ

وَمِيقَاتُهَا كَمِيقَاتِهَا، وَبِأَطْرَافِ قَبْرِ هَزَارِ فَرَسْتِ

وَمِيقَاتُهَا كَمِيقَاتِهَا، وَبِأَطْرَافِ قَبْرِ هَزَارِ فَرَسْتِ

وَمِيقَاتُهَا كَمِيقَاتِهَا، وَبِأَطْرَافِ قَبْرِ هَزَارِ فَرَسْتِ

وَمِيقَاتُهَا كَمِيقَاتِهَا، وَبِأَطْرَافِ قَبْرِ هَزَارِ فَرَسْتِ

حکایت زیارت پیاده امام حسین علیه السلام

مرحوم علامه آیه‌الله حسینی طهرانی (ره) در

کتاب شریف «روح مجرد» حکایت زیارت پیاده امام حسین علیه السلام را چنین بیان می کند: «در میان طلاب و فضلا و علمای نجف اشرف این قاعده برقرار است که در ایام زیارتی مخصوص حضرت مولی الكونین أبی عبد الله الحسین سید الشهداء علیه و علی أبیه و امّه و جدّه و أخیه و التسعة الطاهرة من أبناء صلوات الله و سلام ملائکته المقربین و الانبیاء و المرسلین، مانند زیارت عرفه و زیارت اربعین و زیارت نیمه شعبان، پیاده از نجف اشرف به کربلائی معلی مشرف می شوند؛ یا از جاده مستقیم بیابانی که سیزده فرسخ است، و یا از جاده کنار شطّ فرات که هجده فرسخ است. جاده بیابانی خشک و بی آب و علف است، ولی مسافرین زودتر می رسند و یک روزه و یا دو روزه راه را طی می کنند؛ ولی جاده کنار شطّ، جاده ماشین رو نیست، جاده پیاده رو و مال رو است و انحراف نیز دارد ولی به عوض سر سبز و خرم است و از زیر درخت های خرما و نخلستان ها عبور می کند، و در هر چند فرسخی یک خان و مضیف خانه وسیع (مهمانخانه ساخته شده از حصیر

متعلق به شیوخ اعراب که در آنجا تمام واردین را بطور مجانی هر چقدر که بمانند پذیرائی می کنند) وجود دارد که طلب روزها را تا به شب راه می روند و شب ها را در آنجا بیتوته می نمایند، و معمولاً سفرشان از راه آب که این راه است دو روز و یا سه روز طول می کشد.

حقیر را در مدت اقامت هفت ساله در نجف اشرف جز دو بار توفیق تشرّف پیاده به کربلا دست نداد؛ چون مرحومه والده در قید حیات بودند، و گرچه از رفتن ممانعت نمی نمودند ولی چون حقیر در ایشان آثار اضطراب می دیدم، خودم داوطلب برای راه پیاده نمی شدم. تا یکی دو سال مانده به آخرین زمانی که در نجف بودیم، دیدم در ایشان آن اضطراب به واسطه آشنائی با خانواده های نجفی تا اندازه ای پائین آمده است، فلذا ایشان را با بعضی از مسافرین و زائرین ایرانی که بر ما وارد بودند، قبلاً به کربلا روانه ساختیم و سپس خود با رفقا به راه افتادیم. در هر دو سفر، حقیر در معیت حضرت آیه الله حاج شیخ عباس قوچانی أفاض الله علينا من

رَحْمَاتِه و برکاتِه بودم...»

کیفیت زیارت امام معصوم و مشاهد مشرفه

ایشان همچنین در کتاب «آیین رستگاری» کیفیت زیارت امام معصوم را چنین بیان می کنند: «آقایان طلبه! زیارت امام و مکه باید پیاده و پا برهنه رفت، دیگر تاکسی سوار نشوند و پول زیاد هم خرج نکنند، این چند قدم را تا حرم به احترام حریم حضرت رضا علیه السّلام پیاده بروند و پیاده برگردند.

من که آمدم مشهد مقدّس اوّل که دنبال منزل گشتیم، گفتیم یک جایی باشد که بتوانیم هر روز پیاده حرم مشرف بشویم و برگردیم؛ چون اصلاً نزدیک قبر حضرت بودن و به خصوص پیاده رفتن این خوب است! و اّلا انسان برای زیارت سوار تاکسی بشود و برود و برگردد، اینکه خوب نیست!

برای زیارت امام انسان پیاده می رود، زیارت امام حسین علیه السّلام پیاده می رود. مکه پیاده می رفتند، پابرهنه می رفتند! چون آنجا مشاهد مکرّمه است و مشاهد معظّمه است، و قبر امام از کعبه کمتر نیست؛ بلکه حقیقت کعبه است و روح کعبه است! انسان

باید این جهات را رعایت کند.

ولی البتّه انسان که پیاده می‌رود نباید این طرف را نگاه کند، آن طرف را نگاه کند؛ طلب که حرکت می‌کند سرشان را پایین بیاندازند؛ نه طوری پایین بیاندازند که بگویند: فلان کس متکبر است، حالا خودش را گرفته و دیگر هم اعتنا نکند؛ نه این هم درست نیست؛ اصلاً تصنع درست نیست! سالک تصنعی به درد نمی‌خورد.

سالک باید نفس عملش سلوک باشد

سالک باید نفس عملش سلوک باشد و آن قدر در دلش از آن مطالب و گمشده‌ها او را به خود مشغول کرده باشد که برای تفکر و تصنع و این طرف و آن طرف نگاه کردن و با این و آن مشغول شدن و سخن هرزه گفتن و داد و بی‌داد کردن و در مجلس صدا بلند کردن و امثال اینها مجال نداشته باشد.

اصلاً مؤمن باید وقور باشد! وقتی که انسان را می‌بینند خود عمل انسان معرف باشد. «فی المکاره صبور»؛ در ناملايمات باید صابر باشی. «(الكافی، ج

۲، ص ۲۳۱)

هرچه سالک می‌تواند باید وقور باشد و صبور باشد! وقور یعنی آرام باشد، سبکش متین و پسندیده باشد.

صبور یعنی وارداتی که بر او می‌شود از جا در نرود؛ نه اینکه وقتی برایش یک غذای لذیذی می‌آورند، او صبر کند تا آن غذا را آماده کنند. در غذای لذیذ خوردن صبر معنا ندارد؛ معنایش این است که اگر غذای لذیذ به او نرسید صبر کند، ناملایم شد صبر کند، حرف زشتی از شخصی شنید صبر کند؛ از پدر و مادر و خواهر و دوستان یک حرف درستی نشنید، یک حرف غیر درستی شنید، او با بزرگی خودش و با سعه صدرش بگذرد و تحمل کند.

سالک باید کارهایی را که برای دوستان خدا

می‌کند به حساب نیاورد

نسبت به دوستان خدا ایثار کند، یعنی آنها را مقدم بدارد، و این ایثار را هم به حساب نیاورد؛ حالا آن روز که در فلان عمل بود، این دفعه هم ما حق خودمان را به او دادیم و خواست سوار اتوبوس بشود

ما او را زودتر از خودمان سوار کردیم. تمام کارهای خیری که برای دوستان می‌کند اصلاً به حساب نیاورد و باز هم خودش را مقصّر بداند؛ این پیشرفت می‌کند؛ یعنی طبق آن اعمالی که انجام می‌دهد خداوند که عالمُ السِّرِّ و الخفیّات است، به او پاداش می‌دهد و جزا می‌دهد. پاداش و جزایش هم فوری است، همان وقت به او می‌دهد و طعم لذّت مناجات خدا را همان وقت می‌چشد.»